

نگاهی با کتاب راد شبهات الکفار

● محمد کاظم رحمتی

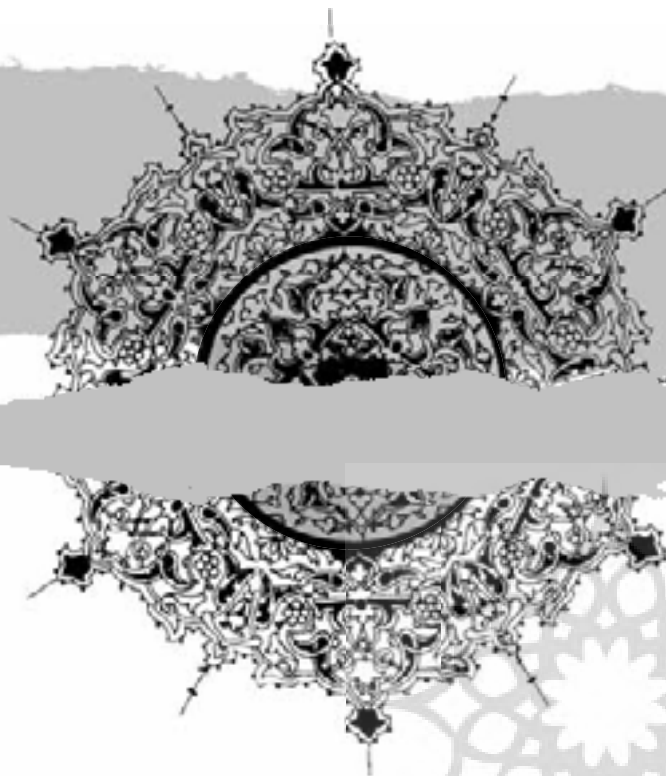
رضا پورجوادی درباره منابع کتاب راد شبهات الکفار منتشر شده است. نوشتار حاضر گزارشی از آن مقاله است و امید دارم در فرصتی بتوانم آن مقاله را ترجمه کنم. آنچه باعث شده، تا این کتاب مورد توجه اشمیتکه و پورجوادی قرار گیرد، ارتباط کتاب راد شبهات الکفار با اثر مورد بررسی این دو محقق یعنی کتاب تنقیح الابحاث ابن کمونه است.

نویسندگان مسلمانی که در ادیان وارد شده‌اند، عموماً آشنایی مستقیمی با آن نداشته‌اند و اطلاعات خود را از آثار واسطه‌ای اخذ کرده‌اند. البته در این میان کتاب‌های کسانی که از ادیان دیگر به اسلام گرویده‌اند، اهمیت فراوانی داشته است و عموماً این آثار، جزء منابع قلمداد می‌شده است. با این حال موارد استثنایی را نیز می‌توان یافت که مؤلفان آثار جدلی، آشنایی بهتری و حتی دقیقی نسبت به متون ادیان مورد بحث خود داشته‌اند و در تألیف آثار خود از نگاه‌های اساسی آن ادیان بهره برده‌اند. (کامیلا آدانگ نگاشته‌های مسلمانان را درباره یهودیت و تورات بررسی کرده است و نتایج جالبی بدست آورده. هرچند همان‌گونه که آدانگ نشان می‌دهد، آشنایی مسلمانان با تورات چندان دقیق نبوده و بسیاری از مطالب نقل شده از تورات در متون اسلامی به واقع در تورات وجود ندارد). در رده‌نویسی‌های عالمان مسلمان، به دو دین یهودیت و مسیحیت توجه زیادی شده است.

- راد شبهات الکفار
- آقا محمد علی بن وحید بهبهانی
- تحقیق سیدمهدی رجائی
- انتشارات انصاریان

اشاره: یکی از دشواری‌های جدی جامعه فرهنگی ما، عدم دسترسی به آثار منتشره است. گاه به دلیل نحوه توزیع، اثری با اهمیت به دست علاقه‌مندان نمی‌رسد و بلکه حتی بخت و اقبال معرفی در نشریات کتاب‌شناسی را نیز پیدا نمی‌کند. از جمله این آثار، کتاب ارزشمند راد شبهات الکفار تألیف فقیه برجسته دوره فتحعلی‌شاه قاجار، آقا محمد علی بن وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۱۶ق) است که بیش‌تر به دلیل چاپ کتاب خیراتیه و مواضعش در قبال تصوف شهرت دارد. با این حال در کنار آثار فراوان باقی‌مانده از این عالم برجسته عصر قاجار، کتاب راد شبهات الکفار او سال‌ها قبل به کوشش محقق ارجمند جناب آقای سیدمهدی رجائی منتشر شده است. متأسفانه این اثر علی‌رغم ارزش و اعتبار علمی که دارد، مورد توجه قرار نگرفته و نگارنده به مطلبی که نشریات حوزه کتاب‌شناسی درباره این کتاب آورده باشند، برخورد نکرده است.

به تازگی در شماره ۳۵، سال ۲۰۰۶م، مجله مطالعات ایرانی (Studia Iranica)، مقاله‌ای از استادان خانم زاینه اشمیتکه و



بعد از اخراج یهودیان از اسپانیا، عده‌ای از آنها به قلمرو دولت عثمانی مهاجرت کردند، و فعالیت‌های چشمگیری در اقتصاد و فرهنگ در این دوره داشته‌اند. از جمله تأسیس چاپخانه‌ای بود که در آن به چاپ و نشر متون عبری اقدام کردند. در هر حال فعالیت‌های یهودیان گرچه صیغهٔ تیشیری نداشت، اما توجه عالمان عثمانی را جلب کرد و به نوشتن متون جدلی موافق دین یهودی پرداختند. یکی از جالب‌ترین این متون رسالهٔ فی رد علی الیهود از عالم نامور عثمانی احمد بن مصطفی طاش کوپری‌زاده (متوفی ۹۶۸ ق/ ۱۵۶۱م) است که متن آن در مجموعه‌ای منتشر خواهد شد که به بررسی وضعیت یهودیان در قلمرو عثمانی می‌پردازد. ویژگی اصلی رسالهٔ طاش کوپری‌زاده، استفاده از متونی است که یهودیان در عثمانی منتشر کرده‌اند.

برخلاف یهودیان، فعالیت‌های تیشیری مسیحیان از اواخر قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی توجهٔ جدی عالمان ایرانی را برانگیخت. از دوران شاه‌عباس اول به دلایل سیاسی و برقراری موازنه با قدرت عثمانی، روابط گرمی میان ایران و دربارهای اروپائی برقرار شد، گروه‌های تیشیری کاتولیک و فرقه‌های تیشیری (چون کاپوچین‌ها از ۱۶۰۲م، آگوستینی‌ها از ۱۶۰۳م. و کارملیت‌ها از ۱۶۰۷م) به نحوی جدی در ایران به فعالیت پرداختند. حضور گروه‌های تیشیری مسیحی حساسیت جدی عالمان ایرانی را برانگیخت و به خلق آثار جدلی متعددی برای مقابله با جریان

پرشتاب تیشیری مبدل شد. بی‌شک کتاب آینهٔ حق‌نما تألیف جروم خاویه (پادری جیزو نمو شاپور ۱۵۴۹-۱۶۱۷م) که نخست به زبان پرتغالی تألیف شده بود و بعدها به فارسی ترجمه شد، جرقه‌ای برای نگارش آثاری را باعث شد. خاویه کتاب آینهٔ حق‌نما را در ۱۶۱۹م. به امپراتور هند، جهانگیر (حک: ۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق/ ۱۶۰۵-۱۶۲۷م) تقدیم کرد. فیلسوف و فقیه برجستهٔ ایرانی عصر صفویه سیداحمد علوی (ف: میان ۱۰۵۴ ق/ ۱۶۴۴م. و ۱۰۶۰ ق/ ۱۶۵۰م) خلاصه‌ای از کتاب آینهٔ حق‌نما به دستش رسیده بود و در نقد آن کتابی به نام مصقل صفا در تجلیه و تصفیة آینهٔ حق‌نما در ۱۰۳۲ ق/ ۱۶۲۳م. به رشتهٔ تحریر درآورد. همان‌گونه که علوی در مقدمهٔ کتاب مصقل صفا نوشته، پیش از تألیف کتاب مصقل صفا، رده‌ای با عنوان لواح ربانی ۱۰۳۰ ق/ ۱۶۲۲م. در رد کتاب پیتیر دل‌واله (۱۵۸۶-۱۶۵۲م) در ۱۰۳۱ ق/ ۱۶۲۱م. نگاشته بود و کتاب دیگر به نام صوائق الرحمان در رد یهودیان داشته که ظاهراً نسخه‌ای از این کتاب موجود نیست.^۱

جدلی بر ضد صوفیه به نام رد جماعت صوفیان (رد عقاید صوفیان) است؛ اثبات النبوة کتاب دیگر وی که علی قلی در ضمن کتاب هدایة الضالین از آن یاد می‌کند، کتابی است که تا به حال از آن نسخه‌ای شناخته نشده است و ظاهراً جزء آثار از بین رفته اوست یا شاید عنوان دیگری از کتاب رد بر یهود باشد که اثری جدلی در نقد عقاید یهودیان است و یک نسخه از آن باقی مانده است. علی قلی رساله کوتاه دیگری نیز به نام فوائد از دواج تألیف کرد. همین گونه در نیمه دوم قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی، عالم و فقیه امامی ظهیرالدین بن ملا مراد نفرشی رديه‌ای به زبان عربی بر دو اثر گابریل پاریسی به نام نصره الحق و اثری فارسی به نام رساله در رد بر نصاری تألیف کرده است.

موج جدید جریان تیشیری مبلغان کاتولیک در نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی را راهب کاتولیک فرانسوی ایوگن بور (۱۸۰۹-۱۸۷۸ م) که خود از جمله خاورشناسان بود، در ۱۸۴۱ م. با بنیان‌گذاری جمعیت تیشیری لازاریان در ایران بنا نهاد. در همان زمان، گروهی از مبلغان پروتستان نیز به ایران آمدند که از جمله مشهورترین آنها باید از هنری مارتین، مبلغ انگلیسی (۱۷۸۱-۱۸۱۲ م) که مدت کوتاه اما پر فعالیتی را در ایران به سر برده، یاد کرد. او که کم‌تر از یک سال (۱۸۱۱-۱۸۱۲ م) در شیراز اقامت داشت، به نحو جدی به تیشیر پرداخت. هم‌چنین باید از دیگر راهب پروتستان کارل گوتلیب فاندرا (۱۸۰۵-۱۸۶۵ م) آلمانی یاد کرد که دوبار از ایران (بار نخست از مارس تا سپتامبر ۱۸۳۱ و بار دیگر در ۱۸۳۷ م. در راه عزیمت به هند) دیدار کرده بود، اشاره کرد که اثر مشهوری به نام میزان‌الحق نوشت و شهرت فراوانی در سراسر قلمرو اسلامی از هند تا عثمانی یافت. او که از تألیف کتاب میزان‌الحق در می ۱۸۲۹ به زبان آلمانی فراغت یافته بود، بعدها تحریر مفصل‌تری از آن تألیف کرد که به زبان‌های ارمنی،

سیداحمد علوی نسخه‌هایی از کتاب مصقل صفارا به کارملیت‌های ساکن اصفهان داد و آنان این کتاب را به واتیکان فرستادند تا جوابیه‌ای برای آنان نوشته شود. در واتیکان پاسخ‌هایی به کتاب علوی داده شد، از جمله جوابیه فلیپ گوادنلی (پادری فلیپ) (حدود ۱۵۹۶-۱۶۵۶ م)، راهب فرانسیسکن پونا ونجر مالوازا یا (متوفی حدود ۱۶۳۵ م) و راهب ژوزئیت امه ژزور (۱۶۰۴-۱۶۶۴ م) که در ۱۶۵۶ م. جوابیه خود را تألیف کرد. نسخه‌ای از کتاب مصقل صفادر تملک و اختیار راهب فرانسیسکن دومینکوس جرمانوس دوسلزلی (۱۵۸۸-۱۶۷۰ م) و راهب کاپوچین گابریل پاریسی (متوفی ۱۶۴۱ م) نیز بوده است. یکی از این رديه‌ها نیز به دست علوی رسید و گمان کرد که او همان نویسنده کتاب آینه حق نما است و رديه‌ای بر آن نوشت. با این حال از میان رديه‌های مختلف بر کتاب علوی، جوابیه فلیپ گوادنلی در ایران شناخته شده است و آن نیز به واسطه اثر سیف المؤمنین فی قتال المشرکین علی قلی جدید الاسلام بوده است.

علی قلی یکی از تازه‌کیشان مسلمان بود که هویت او چندان روشن نیست. او در نوشته‌هایش ادعا دارد که پیش از اسلام آوردن، راهبی عالی‌مقام بوده است و پس از جست‌وجو در طلب حقیقت، به حقانیت اسلام پی برده است. شواهد دیگر دلالت دارد که او راهبی از فرقه آگوستینی و فردی پرتغالی است و نامش آنتونیو و در اصفهان (سال ۱۱۰۸ ق/ ۱۶۹۶ م.) اسلام آورده است. علی قلی در حوزه آثار جدلی، تألیفات چندی نگاشته که از جمله آنها کتاب هدایة الضالین (یا المضلین) و تقویة المؤمنین است و به گفته خودش نخست آن را به زبان فرنگی تألیف کرده و بعد آن را به فارسی برگردانده است و به شاه‌سلطان حسین صفوی (حک: ۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق/ ۱۶۹۴-۱۷۲۲ م) تقدیم کرد. این کتاب اثری مفصل در چهار مجلد بوده. کتاب دیگری که نام می‌برد کتابی



مشمول بر شش نور است که پایان بخش آن فائده‌ای است.
فصل دوم (صص ۵۳-۸۹) به مسیحیت اختصاص یافته است (بحث دوم، در بیان ملت نصاری) مشتمل بر هشت نور است.
فصل سوم و مفصل‌ترین بخش کتاب (صص ۹۰-۱۹۱) به بحث از اسلام اختصاص یافته است (بحث سوم، در ذکر ملت اسلام) و مشتمل بر ده نور است. دو خاتمه مفصل، پایان بخش کتاب است. نخستین خاتمه (صص ۱۹۱-۲۰۹) در ده «سهم» به بحث یهودیان پرداخته است (در ذکر بعضی از مطائین و اباحت وارده بر طائفه یهودیان) و خاتمه دوم (صص ۲۱۰-۲۷۹) با وجودی که عنوان آن «ذکر مختصری از اصول خمسه دین» نام دارد، منحصراً به بحث از مسیحیت پرداخته و به اصول پنج‌گانه اعتقادی توحید، عدل، نبوت، امامت، و معاد پرداخته است. کتاب با ذکر قصیده‌ای بلند (صص ۲۷۹-۲۸۴) پایان می‌یابد.

بهبهانی در مقدمه کتاب، شرایطی که موجب تألیف شده را به همراه خط سیری از محتوی کتاب بازگو می‌کند. او در این مقدمه بیان می‌دارد که به تفصیل به بحث از سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام (در لطائف اباحت ملل ثلاث) سخن خواهد گفت و مطالب خود را در قالب یک مقدمه و سه بحث و خاتمه‌ای بیان خواهد کرد. اینکه او در آغاز کتاب از نگارش یک خاتمه سخن گفته اما در انتهای کتاب دو خاتمه ذکر کرده، نشان می‌دهد که بعدها و در جریان تألیف کتاب، به فکر افزودن خاتمه‌ای دیگر افتاده است. در ضمن بخش دوم مقدمه که آن را با عبارت «اما بعد» آغاز می‌کند، به بحث‌های کلی در باب نبوت و معجزات پرداخته است. او مقدمه را با بیان اینکه در ادامه به بحث یهودیان، مسیحیان و مسلمانان خواهد پرداخت، پایان می‌دهد و نام کتاب را به صورت راد شبهات کفار در ذکر اباحت ملل ثلاث یاد کرده است. عبارت اباحت ملل ثلاث که در آغاز کتاب و در نام تفصیلی کتاب ذکر

ترکی، فارسی و عربی ترجمه شد. آثار متعددی که در نقد این کتاب در ایران تألیف شد، به خوبی اهمیت و رواج این کتاب را در ایران نشان می‌دهد. معاصر جوان‌تر فاندرو هنری مارتین، مبلغ انگلیسی ویلیام سنت کلیبر تیسدال (۱۸۵۹-۱۹۲۸م) نیز کتابی به فارسی و به نام ینابیع الاسلام تألیف کرد که چند ردیه در جواب آن نوشته شده است.

بسیاری از ردیه‌های که بر آثار مبلغان مسیحی در قرن هجدهم و نوزدهم تألیف شد، در پی درخواست فتحعلی‌شاه (حک: ۱۲۱۲-۱۲۵۰ش/ ۱۷۹۷-۱۸۳۴م) بوده است. از جمله آنها می‌باید به کتاب راد شبهات الکفار نگاشته آقا محمد علی بهبهانی کرمانشاهی (۱۱۴۴-۱۲۱۶ق/ ۱۷۳۲-۱۸۰۱م) اشاره کرد که در ۱۲۱۵ق/ ۱۸۰۰-۱۸۰۱م. و در زمان کهنسالی بهبهانی تألیف شده است. محمدعلی بهبهانی، فرزند عالم مشهور اصولی وحید بهبهانی (۱۱۱۸-۱۲۰۷ق/ ۱۷۰۶-۱۷۹۲م) بیش‌تر به دلیل فعالیت‌هایی که ضد صوفیان انجام داده، شناخته می‌شود و مخالفان وی، به دلیل صدور دستور قتل معصوم علی‌شاه که از رهبران طریقت نعمت‌اللهی بوده، صوفی‌گش به او لقب داده‌اند. بهبهانی هم‌چنین در کتاب جدلی مشهور خود در رد بر صوفیان به نام خیراتیبه در ابطال طریقت صوفیه به نقد و رد عقاید صوفیان پرداخته است. وی هم‌چنین در این کتاب به نقد برخی آثار شاعران صوفی نیز پرداخته است.

کتاب راد شبهات الکفار که موضوع بحث نوشتار حاضر است، بعد از مقدمه‌ای مفصل (صص ۳-۲۴) در سه بخش با عنوان «بحث» تدوین شده که هر بحث مشتمل بر اجزائی به نام «نور» است. **فصل نخست** (صص ۲۴-۵۲) به بحث از یهود اختصاص دارد (بحث اول، در ذکر یهودیان و شکوک و اباحت وارده بر آن)



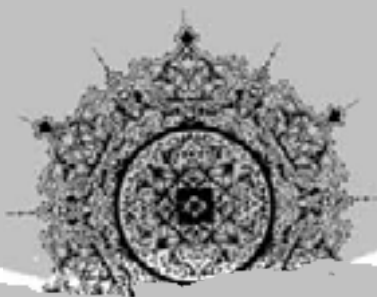
۴-۷) و عبارتی از کتاب جاماسب‌نامه (ص ۲۶، سطر ۴ تا ص ۲۷ سطر ۸) اکتفا کرده است. در پایان بخش (صص ۵۰-۵۲) فائده‌ای بر متن افزوده که در آن فهرست کتاب‌های تورات آمده است. او منبع خود را در نقل این فهرست بیان نکرده، اما از آن‌جا که تمام عبارت «فائده» به عربی است کاملاً محتمل است که این مطالب را از اثری عربی اخذ کرده است. فصل دوم به بحث مسیحیت اختصاص دارد که آن نیز با تغییرات اندکی در دو بخش اول و بخشی از جزء هشتم، ترجمه فصل سوم کتاب تنقیح ابن کمونه است. در این بحث نیز عقیده مسیحیان در باب عیسی مسیح با تغییرات اندکی آمده است.

فصل سوم با وجود حذف‌های فراوانی باز مبتنی بر کتاب ابن کمونه و بحث او درباره اسلام است. هرچند به نحو طبیعی بهیمنی در بحث اسلام با توجه به تبخّرش نیاز چندانی به کتاب ابن کمونه نداشته و در بحث‌های متعدد خود (نورهای ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۰) از منابع دیگری جز کتاب ابن کمونه استفاده کرده است و حتی در مواردی که به ذکر ترجمه عبارت‌هایی از ابن کمونه پرداخته، مطالب فراوانی از خود بر آن افزوده است.

خاتمه نخست به ده سهم تقسیم شده است، عنوان خاتمه در ذکر بعضی از مطائین و اباحت وارده بر طائفه یهود عنود نام دارد. تمام این بخش ترجمه‌ای است منتخب از کتاب افحام الیهود ساموئل مغربی با اضافاتی اندک از سوی بهیمنی. به جز استثنائاتی چند، ترتیب ذکر مطالب نیز همان ترتیب و نظم کتاب افحام الیهود است و تغییری در نظم آن داده نشده است. همانند عدم اشاره بهیمنی به کتاب تنقیح الابحاث، در این بخش نیز اشاره‌ای به مطالب خود در نقل از کتاب افحام الیهود ندارد. دو ارجاع صریح بهیمنی به کتاب افحام الیهود ساموئل مغربی در فصول یهودیت (ص ۳۳) و اسلام (ص ۱۷۹) همان عبارت‌هایی است که ابن کمونه

شده، در حقیقت بخشی از نام کتاب مشهور عالم یهودی عزالدوله ابن کمونه (متوفی ۶۸۳ ق/ ۱۲۸۴ م. یا ۶۸۴ ق/ ۱۲۸۵ م) به نام تنقیح الابحاث للملّ الثلاث است. با وجودی که بهیمنی در هیچ جای کتاب خود ذکری از نام ابن کمونه و یا تصریحی به اسم کتاب او در تألیف اثر خود ندارد، مقایسه دقیق کتاب راد شبهات الکفار با تنقیح الابحاث نشانگر آن است که وی کاملاً متأثر از کتاب ابن کمونه بوده و به‌علاوه از حیث ساختار، اثری کاملاً شبیه کتاب ابن کمونه است. در تألیف مقدمه و فصول سه‌گانه راد شبهات، عبارت‌های فراوانی از کتاب ابن کمونه را به صورت ترجمه در ضمن کتاب خود آورده است.^۲

به عبارت دقیق‌تر به جز حذف چند عبارت کوتاه، مقدمه کتاب راد شبهات الکفار در حقیقت ترجمه فصل نخست کتاب ابن کمونه با عنوان «فی بیان حقیقه النبوة و اقسامها و اثبات وجودها و منافعها و فی ذکر امور تتعلق بها» با اضافاتی اندک از سوی بهیمنی است. به جز چند استناد، نظم متن ترجمه شده همان ترتیب کتاب تنقیح الابحاث ابن کمونه را دارد. فصل نخست کتاب راد شبهات که به بحث یهود می‌پردازد، اساساً ترجمه بخش اعظمی از فصل دوم کتاب تنقیح الابحاث ابن کمونه است که در آن ابن کمونه به اختصار از دلایل نبوت موسی (ع) به نقل از یهودیان پرداخته است و عبارتی را که ابن کمونه در آن به صراحت از افحام الیهود ساموئل مغربی (متوفی ۵۷۰ ق/ ۱۱۷۵ م) نام برده و عبارتی را از او نقل کرده، آورده است. بهیمنی تغییری در ترتیب مطالب تنقیح الابحاث ابن کمونه نداده و تنها تفاوت در این است که وی متن را به بخش‌هایی با عنوان «نور» تقسیم کرده است که این مطلب درباره دو فصل دیگر نیز صادق است. بهیمنی تنها با افزودن مطالب اندکی به نقل از قاموس اللغة محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی ۸۱۷ ق/ ۱۴۱۵ م) (ص ۲۵، سطرهای



مجموعه: ۳۱۴۱ فاتح، فاقد استنساخی از کتاب افهام الیهود است، اما کاملاً محتمل است که نسخه‌ای که از آن رونویسی شده، این قسمت را داشته است. بهبهانی در نقل ترجمه عبارتهایی از کتاب تنقیح از همان تحریر موجود در نسخه‌های مرعشی: ۱۲۸۶۸، مجلس: ۵۹۳ و فاتح: ۳۱۴۱ استفاده کرده است. تفاوت‌های این تحریر از کتاب تنقیح الابحاث در عبارتهای ترجمه شده نیز بازتاب یافته است.

کتاب افهام الیهود و تحریرهای مختلف آن

اما دربارهٔ تحریر کتاب افهام الیهود که بهبهانی در اختیار داشته است، می‌دانیم که ساموئل دو تحریر از کتاب خود تدوین کرده است. تحریر اولیه در ۵۵۸ ق/ ۱۱۶۳ م. تألیف شده و به طور گسترده‌ای تنها در نواحی شرقی جهان اسلام رواج داشته و تحریری تفصیلی‌تر که احتمالاً در ۵۶۲ ق/ ۱۱۶۷ م. تدوین شده، بیشتر در نواحی غربی جهان اسلام (بر اساس نسخه‌هایی از آن که در قاهره، دمشق باقی مانده) رواج داشته است. تحریر اولیهٔ کتاب افهام الیهود بخشی از نسخه اساس مجموعه قطب‌الدین شیرازی بوده و تمام نسخه‌های موجود این تحریر، مبتنی بر نسخهٔ کتابت شده در مجموعهٔ شیرازی بوده است. مقایسه میان ترجمه‌های بهبهانی از کتاب افهام الیهود با تحریر اولیهٔ آن به خوبی نشان‌گر آن است که او از تحریر اولیهٔ کتاب استفاده کرده است. هم‌چنین شواهد دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد نسخه اساس مجموعه قطب‌الدین شیرازی و یا نسخهٔ مجموعهٔ کتابخانهٔ مجلس: ۵۹۳ مورد استفادهٔ بهبهانی بوده است. سوای عبارتی که بهبهانی به نقل از تنقیح الابحاث نقل کرده که در آن به نام مغربی اشاره شده، بهبهانی افزوده که مغربی از تألیف کتاب افهام الیهود در جمعه، نهم ذی الحجهٔ ۵۵۸ فراغت یافته است.

در تنقیح الابحاث آورده و به صراحت آنها را به نقل از ساموئل بیان کرده است (صاحب الافهام).

نسخه‌های اندکی از کتاب تنقیح الابحاث و افهام الیهود در ایران باقی است و با اطلاعی از آنها در دست است که مورد استفادهٔ عالمان ایرانی بوده و استنساخی از آنها شده است. هم‌چنین نکتهٔ جالب توجه دیگر، تفاوت تحریرهای متداول از این دو کتاب در غرب جهان اسلام است که از تحریرها و نسخه‌های دیگر مناطق متفاوت است. می‌توانیم تحریرهای این دو متن را که در اختیار بهبهانی بوده و حتی احتمالاً نسخه‌ای را که او استفاده کرده، شناسایی کنیم. تمام نسخه‌های موجود از دو کتاب تنقیح و افهام موجود در ایران مبتنی بر نسخه‌ای است مشتمل بر مجموعه‌ای از آثار که قطب‌الدین شیرازی در ۶۸۵ ق/ ۱۲۸۶ م. که در قونیه کتابت کرده است (نسخه در کتابخانهٔ مرعشی: ۱۲۸۶۸). این مجموعه علاوه بر آثار دیگر، مشتمل بر کتاب تنقیح الابحاث و افهام الیهود ساموئل مغربی است. استنساخی ناقص نیز به قلم شاگرد قطب‌الدین شیرازی یعنی تاج‌الدین کرمانی در کتابخانهٔ فاتح: ۳۱۴۱ نیز در دست است. گرچه تاج‌الدین به صراحت از نسخه‌ای که در اختیار دارد، سخنی نگفته، شواهد فراوانی در نسخه استنساخ شده او وجود دارد که بر اساس آنها می‌توان دریافت که او نسخه استاد خود را رونویسی کرده است. به جز دو عنوان، تمام آثاری که در نسخه فاتح (۳۱۴۱) است، و هم‌چنین بخش‌هایی از دیگر نسخهٔ کتاب که در کتابخانهٔ مجلس (۵۹۳) موجود است، عمدتاً استنساخی ناتمام از مجموعهٔ قطب‌الدین شیرازی است و در ۱۰۶۰ ق/ ۱۶۵۰ م. کتابت شده است. متن تنقیح الابحاث که در این دو مجموعهٔ خطی وجود دارد از دیگر تحریرهای این متن متفاوت است و حاوی اضافات و تغییرات فراوانی در متن است.



دوازده‌گانه نیز شناخته می‌شود. نقل قول‌های فراوانی از این کتاب در راد شبهات الکفار آمده است. متن کتاب حواری‌نامه که مابین سال‌های ۱۶۰۲ و ۱۶۰۷م. توسط راهب ژوزویت جروم خاویه (خاویز/گزاویه) به درخواست امپراتور مغولی، اکبر (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ق/۱۵۵۶-۱۶۰۵م) تألیف و به جانشین او، جهانگیر تقدیم شده است. خاویز کتاب را نخست به زبان پرتغالی تألیف کرد و بعدها آن را به کمک فردی به نام عبدالستار بن قاسم لاهوری به فارسی برگرداند. بهبهانی در بخش دوم بحث مسیحیت به کتاب حواری‌نامه اشاره کرده و نقل قول‌های فراوانی از آن در بخش هشتم باب مسیحیت آورده و در آغاز به اخذ مطالب خود از کتاب حواری‌نامه تصریح کرده است (نسخه‌ای از کتاب حواری‌نامه در کتابخانه‌ی بادلیان به شماره: ۳۶۵ باقی مانده است). به دیگر سخن، به جز عبارتی کوتاه از این بخش که در واقع ترجمه‌ای از تنقیح الابحاث ابن کمونه است، تمام بخش هشتم نقل قول یا تلخیص عبارتهایی از کتاب حواری‌نامه است. در پایان این بخش بهبهانی می‌نویسد که به علت کمی وقت تنها به ذکر احوال همین حواریان اکتفا می‌کند.

منبع دیگر بهبهانی در بخش مسیحیت کتاب لوامع ربانی سیداحمد علوی است. بهبهانی در بخش سوم که به اسلام اختصاص داده، کاملاً بر این منبع متکی است و این کتاب تنها منبع دو بخش هفتم و هشتم بوده است. برخلاف کتاب حواری‌نامه که بهبهانی به نام آن تصریح کرده، او هیچ اشاره‌ای به کتاب لوامع ربانی نکرده و این بخش از کتاب خود را با ذکر نامشخصی از مبلغی مسیحی (بعضی از فضلاء فرنگیان و قسیسان یعنی کشیشان و پادریان یعنی علماء ترسایان) آغاز کرده است. در سراسر بخش، بهبهانی عبارتهای فراوانی را به نقل از این رساله مبلغ مسیحی «قول مسیحی بعد از دیباچه» و پاسخ‌هایی به آن «و ردش این است» آورده و خواننده ناآشنا با کتاب علوی، گمان می‌برد که

این اطلاع که در کتاب تنقیح الابحاث ابن کمونه نیامده، در صفحه‌ی عنوان پیش از متن نسخه‌هایی خطی افحام الیهود که در کتابخانه‌ی مرعشی: ۱۲۸۶۸، برگ ۱۳۰ الف، و مجلس: ۵۹۳، صفحه‌ی ۱۷۸، آمده است (افحام الیهود من امالی الساموئل بن یحیی بن عباس المغربی فی یوم الجمعة تاسع ذی الحجه سنه ثمان و خمسين و خمس مائه). از آن جایی که در دیگر نسخه‌های موجود افحام الیهود چنین اطلاعی نیامده، و شباهت عبارت بهبهانی با عبارت درج شده، در این نسخه‌ها، این را کاملاً محتمل می‌کند که بهبهانی به یکی از این دو مجموعه نسخه‌ی خطی دسترسی داشته است. اختلاف موجود میان نسخه‌ی مرعشی: ۱۲۶۸۶، و مجلس: ۵۹۳، با نسخه‌ی مجلس: ۴۵۴۷، که استنساخی از کتاب افحام بر اساس مجموعه‌ی قطب‌الدین شیرازی است، مؤید این گمان است که این نسخه مورد استفاده بهبهانی نبوده و بهبهانی از یکی از دو نسخه‌ی مرعشی و مجلس: ۵۹۳ استفاده کرده است.

منابع مورد استفاده بهبهانی در بحث از مسیحیت

بهبهانی در سراسر کتاب راد شبهات الکفار از آثار دیگری نیز استفاده کرده است و تنقیح الابحاث ابن کمونه تنها منبع مورد استفاده در مقدمه‌ی او است، او در بخش مربوط به یهود علاوه بر تنقیح، از کتاب قاموس اللغه فیروزآبادی که از آن دو عبارت کوتاه نقل کرده و از کتاب جاماسب‌نامه نیز بهره برده است. دو بخش نخست باب مسیحیت نیز بر اساس تنقیح الابحاث است، اما در هشت بخش دیگر مسیحیت مطالب کمتری از تنقیح الابحاث نقل کرده است. استفاده از کتاب تنقیح الابحاث در بخش اسلام به مراتب کم‌تر از سایر بخش‌هاست. نخستین منبع دیگری که در بحث مسیحیت سوی تنقیح الابحاث مورد استفاده بهبهانی بوده، کتاب حواری‌نامه است که شرحی درباره‌ی حیات رسولان دارد و با عنوان‌های دیگری چون داستان احوال حواریان و وقایع حواریان



پی‌نوشت

۱. با توجه به نسخه‌های خطی متعدد که از کتاب لوامع ربانی باقی مانده به نظر می‌رسد، کتاب تحریرهای مختلفی دارد. متن کتاب به کوشش مرحوم حسن سعید در دائرة المعارف قرآن کریم (تهران، ۱۴۰۶ق)، صص ۲۰-۱۸۳ منتشر شده است با نسخه‌ای از کتاب که در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی به شماره: ۲۴۰۰ موجود است تفاوت دارد و تحریر کامل‌تری از کتاب است که تفصیل بیشتری نسبت به متن چاپ شده دارد. همچنین متنی که مورد استفاده علوی در ارائه گزارشی از این کتاب بوده نیز با دو تحریر ذکر شده متفاوت است. برای شرح حال سیداحمد علوی بنگرید به مدخل علوی، سیداحمد نگاهشسته هانری کربن در دانشنامه ایرانیکا تکنکاری ارنولف کمپس درباره خاور اتری مفید برای شرح حال این عالم مسیحی است که با مشخصات زیر منتشر شده است:

Arnulf Camps, Jerme Xavier S.J. and the Muslims of the Mogul Empire Controversial Works and Missionary Activity (Schöneck-Beckenried 1957).

۲. موشه پرلمان چاپ انتقادی کتاب تنقیح الابحاث این کومونه را در ۱۹۶۷م. منتشر کرده است. همو در سال ۱۹۷۱م. ترجمه انگلیسی کتاب را نیز به چاپ رسانده است. برای گزارشی کامل از شرح حال و آثار این کومونه بنگرید به کتاب: Reza Pourjavadi and Sabine Schmidtke, A Jewish Philosopher of Baghdad: Izz al-Dawla Ibn Kammuna (d.683/1284-85) and His Writings (Leiden, 2006).

این عبارت‌ها از آن خود بهبهانی است. سبک و سیاق عبارت‌های بهبهانی به گونه‌ای است که خواننده گمان می‌کند او در حال رد اثری از معاصران خود است و به این دلیل است که بهبهانی در ضمن نقل قول‌هایی از کتاب لوامع ربانی علوی، تغییراتی در لحن و سیاق عبارت‌های او داده است. به عنوان مثال نویسنده لوامع در اشاره به مخالف مسیحی خود، لفظ شما را به کار برده است و بهبهانی آن را به لفظ آنها تغییر داده است. علوی دو بند از سخنان خود، با عبارت «یا معشر النصارى» آغاز کرده، در حالی که بهبهانی این عبارت را حذف کرده است و موردی نیز وجود دارد که بهبهانی در آن عبارت علوی را بسط بیشتری داده است.

همان‌گونه که گفته شد، بهبهانی کتاب خود را با دو خاتمه پایان می‌دهد. در خاتمه دوم که پنج بخش دارد، تماماً به رد مسیحیت پرداخته است (صص ۲۱۰-۲۷۹). در این بخش نیز ظاهراً چنین به نظر می‌آید که او از منابع متعددی بهره گرفته است در حالی که تمام مطالب این بخش برگرفته از کتاب هدایة الضالین (یا المضلین) و تقویة المؤمنین علی قلی جدیدالسلام است، که بهبهانی مطالب خود را از مجلد سوم آن کتاب اخذ کرده است. با این حال همانند بخش قبلی، سبک و سیاق نقل قول‌های بهبهانی در این بخش به گونه‌ای است که نقل قول بودن عبارت را نشان نمی‌دهد و خواننده باز به این گمان می‌افتد که مطالب از آن خود بهبهانی است. با این حال اهمیت این نقل قول‌ها در این است که بهبهانی از بخش غیرموجود هدایة الضالین بهره گرفته است. بی‌شک کتاب راد شبهات الکفار که اثری ارزشمند است نیازمند چاپ جدید و انتقادی است و امید که این کار در آینده‌ای نزدیک صورت گیرد، خاصه آنکه نسخه‌های چاپی کتاب نیز اینک نایاب است. قطعاً هرگونه تلاش برای ارائه چاپ انتقادی از متن کتاب نیازمند بررسی کامل محتوای کتاب و مقایسه آن با منابع دیگر احتمالی بهبهانی در تألیف کتاب است.

